

بررسی روابط بینامتنی ادعیه مأثور امام زمان علیه السلام با قرآن کریم (نمونه موردی: دعای علوی مصری)*

مجتبی نوروزی^۱

محمدعلی کاظمی تبار^۲

فاطمه شیخ مؤمنی^۳

چکیده

یکی از رویکردهای مهم در پژوهش‌های ادبی، الگوپذیری یک متن از متن دیگر است. این نوع پژوهش که تعامل متون با یکدیگر را نشان می‌دهد، رابطه «بینامتنی» نامیده می‌شود و با کشف و تحلیل نشانه‌های رابط بین متون به فهم کامل‌تر و عمیق‌تر آن کمک می‌کند. پژوهش پیش رو به ارتباط بینامتنی قرآن کریم و یکی از دعا‌های مأثور از امام زمان علیه السلام به نام «دعای علوی مصری» می‌پردازد و تلاش می‌کند تا پیوند ناگسستنی «قرآن صامت و ناطق» را روشن و نورانیت کلام وحی را، در دعای حضرت تجلی نماید.

این مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی و تطبیقی انجام شده، سه شیوه اصلی روابط بینامتنی: نفی جزئی، متوازی و کلی را بررسی کرده و به طور همزمان با تحلیل تناص ترکیبی، مضمونی، واژگانی یا لفظی و شخصیت‌های قرآنی در لایه‌های زیرین، ارتباطات پنهان و پیدای دعای حضرت با قرآن کریم را واکاوی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان داد امام زمان علیه السلام این تعامل دو سویه آگاهانه را در عالی‌ترین صورت در قالب این دعا به نمایش گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، امام زمان علیه السلام، دعای علوی مصری، بینامتنیت.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۷

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد، ایران (m.noruzi@quran.ac.ir).

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (makt1972@gmail.com).

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده تربیت مدرس قرآن کریم مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (sheikhmomeni1360@gmail.com).

یکی از شیوه‌هایی که امروزه برای تحلیل و بررسی متون دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد، روش بینامتنیت بین دو یا چند متن دینی است. موضوع بینامتنیت این است که:

هر متنی با پیش‌فرض‌های متن دیگر آفریده شده، یعنی به طور خودآگاه یا ناخودآگاه از متنی دیگر الگو پذیرفته است. لذا می‌توان گفت نوشته‌های هیچ نویسنده‌ای بسندگی فردی ندارد و خواه ناخواه وابسته به متنی دیگر است. (احمدی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۳۲۷)

نظریه «بینامتنیت» یا «متن پنهان» (Intertextuality) که در زبان عربی به «تناس» تعبیر شده، اولین بار در قرن بیستم توسط «ژولیا کریستوا» (۱۹۴۱م) که تحت تأثیر دیدگاه‌های ادبی «میخائیل باختین» (۱۸۹۵م) فیلسوف مطرح روسی بوده مطرح شده است. براساس این نظریه هر متنی از آمیزش چند متن دیگر آفریده می‌شود. (آلن، ۱۳۸۰: ۱۲۹)

هر متنی جزیره‌ای جدا از دیگر متون نیست. هر متن در نسبت با متون دیگر است که وجود دارد و ارتباط یک متن با متون دیگر از ارتباط آن با پدیدآورنده‌اش بیشتر است. متون، بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌آورند که از درون آنها می‌توان متون دیگر را خلق و تفسیر کرد. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۲۶) طبق این نظریه هر متنی ناگزیر با متن‌های دیگر کنش‌های دوسویه دارد و به کمک بینامتنیت می‌توان روابط موجود میان متون مختلف را آشکار نمود.

قرآن کریم به عنوان کلام الهی و متنی جامع از جمله متونی است که سایر متون دینی چون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه پیوندهای عمیق و استواری با آن دارند. (مسیبوق، ۱۳۹۲؛ ستوده‌نیا، ۱۳۹۵)

در ادعیه مأثور از امام زمان علیه السلام که برگرفته از علم الهی ایشان است نیز مفاهیم و آیات قرآنی به وفور یافت می‌شود. یکی از این ادعیه، دعایی است که حضرت به فردی به نام علوی مصری تعلیم فرمودند.

هدف از انجام این پژوهش آشنایی با روش و شیوه امام زمان علیه السلام در بهره‌گیری از کلام وحی و معارف قرآنی در ادعیه است که با بررسی محتوایی این دعا براساس نظریه

بینامتنی، فرازهای مختلف آن واکاوی و به تجلّی آیات قرآن کریم، جای جای این دعا و کاربرد انواع گوناگون بینامتنیت در آن، ارتباط ناگسستنی کلام وحی با کلام امام معصوم علیه السلام نمایان شده و برای مخاطبین موجب جذابیت و تعمّق در معانی و تأثیرگذاری بیشتر کلام حضرت شده است.

در موضوع بینامتنیت قرآن کریم با متون دینی چون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، پژوهش‌های گوناگونی انجام شده که به بررسی تناسبات قرآنی با خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه و ادعیه صحیفه سجادیه پرداخته است. به عنوان مثال: مقاله «روابط بینامتنی قرآن با نهج البلاغه» به قلم سیدمهدی مسبوق چاپ شده در سال ۱۳۹۲ در دو فصل نامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا و مقاله «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجادیه» نوشته محمدرضا ستوده‌نیا و زهرا محققیان که در دو فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است که به بازتاب آیات قرآنی در فرازهای نهج البلاغه و ادعیه صحیفه سجادیه و تحلیل آن براساس نظریه بینامتنی پرداخته‌اند. اما در هیچ پژوهشی به بیان و تحلیل محتوایی دعاهای مأثور از امام مهدی علیه السلام پرداخته نشده است. نظربه اهمیت این مسئله، در این پژوهش تلاش شده با بررسی یکی از طولانی‌ترین ادعیه مأثور از امام زمان علیه السلام به نام دعای علوی مصری و تحلیل محتوایی آن با روش بینامتنیت، تجلّی آیات قرآنی و ارتباط عمیق آن با این دعا از نظر معنا و لفظ اثبات شود.

مفهوم‌شناسی

اصطلاح «بینامتنیت» یا «تناسبات» به رابطه‌های گوناگون متون از لحاظ صورت و معنا اشاره می‌کند. متون، بافت‌ها و سیاق‌هایی را فراهم می‌کنند که می‌تواند دیگرمتون را درون آن‌ها خلق و تفسیر کرد. (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۴۵) بینامتنیت به رابطه تفسیری و معناشناختی ناظر است و در تفسیر قرآن نیز مراد از بینامتنی، توجه به روابط نشانه‌شناختی و معناشناختی است که متون دیگر می‌توانند با قرآن داشته باشند. (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۴۴) یکی از حسّاس‌ترین و جدّی‌ترین مباحث حوزه نقد متن، روابط بینامتنی است. در واقع منظور از روابط بینامتنی این هست که هرمتنی ناظر به متون پیشینی هست و زمانی که مطالعات متنی صورت می‌گیرد توجّه به نوع رابطه‌ای که این

متون با هم دارند، حائز اهمیت هست. (پاکتچی، ۱۳۹۷: ۱۰۱)

ارکان بینامتنی

بینامتنیت، دارای سه رکن اصلی است: ۱. متن حاضریا همان متن مورد بررسی پیش رو است؛ ۲. متن غایب یا پنهان یا متن ارجاعی که متن حاضر را تفسیر می‌کند؛ ۳. روابط بینامتنی: انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر روابط بینامتنی نام دارد و مهم‌ترین رکن نظریه بینامتنی در تفسیر متون به شمار می‌رود. در این پژوهش: متن حاضر متن دعای علوی مصری، متن غایب قرآن کریم و روابط بینامتنی قرآن با دعای علوی مصری به عنوان عملیات بینامتنی محسوب می‌شوند.

انواع نظریه بینامتنی

بازآفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر، براساس چگونگی و شکل کاربرد آن در متون مختلف به انواع متعددی تقسیم می‌شود. اما مهم‌ترین و اصلی‌ترین تقسیم‌بندی به اعتقاد «ژولیا کریستوا» بینامتنی را به سه دسته اصلی: ۱. قاعده نفی جزئی (اجترار)؛ ۲. قاعده نفی متوازی (امتصاص)؛ ۳. قاعده نفی کلی (حوار) تقسیم کرده که از آن با عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد می‌شود. (کریستوا، ۱۳۹۸: ۱۰۹)

۱. نفی جزئی یا اجترار

اجترار از ریشه (جَرَّیَجَرُّ جَرًّا) و از باب افتعال است که در لغت به معنای کشیدن و جذب کردن است و در اصطلاح نوعی از روابط بینامتنی است که مؤلف در آن، جزئی از متن غایب را در اثر خویش می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و در آن کمتر شاهد نوآوری از سوی نویسنده هستیم. (عزام، ۲۰۰۱: ۱۱۶) این قانون سطحی‌ترین نوع روابط بینامتنی است که استفاده مؤلف از متن غایب می‌تواند یک جمله و یا یک عبارت و یا یک کلمه و یا یک حرف باشد. (میرزایی، ۱۳۸۸: ۸)

۲. نفی متوازی یا امتصاص

«امتصاص» از ریشه (مَصَّ یَمُصُّ مَصًّا) و از باب افتعال در لغت به معنای مکیدن و جذب کردن است و در اصطلاح به نوعی از روابط بینامتنی اطلاق می‌شود که در آن مؤلف متن غایب را می‌پذیرد و به گونه‌ای در متن حاضر به کار می‌برد که جوهره آن

تغییری نمی‌کند. (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵) این نوع از بینامتنیت در مرتبه بالاتری از بینامتنیت اول قرار می‌گیرد و در آن ادیب به اهمیت متن غایب و ضرورت جذب آن در درون متن حاضر معترف است. (عزام، ۲۰۰۱: ۵۵) در این نوع از بینامتنی، معنی مقطعی متن، همان است، ولی شاعر یا نویسنده می‌تواند در معنی متن جدید خود، بیافزاید. بنابراین در این شکل از روابط بینامتنی، معنای متن غایب در متن حاضر تغییر اساسی‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه با توجه به مقتضای متن حاضر و با توجه به معنی آن، نقشی را که در همان متن غایب ایفا می‌کند در متن حاضر نیز بر عهده دارد. این بدان معنی است که متن حاضر می‌تواند دارای معنای بیشتری باشد و یا با تغییر و تنوعی که به نوآوری و ابداع شاعر بستگی دارد، همراه گردد. (میرزایی، ۱۳۸۸: ۸)

۳. نفی کلی یا حوار

«حوار» از ریشه (حار یحور و از باب حاور یحاور محاوره) است که در لغت به معنای پاسخ دادن است و در اصطلاح، نوعی از روابط بینامتنیت است که در بین سایر گونه‌ها، بالاترین سطح را داراست و نیاز به خوانشی عمیق و مکرر دارد؛ بدین گونه که مؤلف، متن غایب را در متن خود به شکلی به کار می‌گیرد که معنای آن به کلی متفاوت گردد. (وعدالله، ۲۰۰۵: ۳۷) بنابراین در این نوع، نیاز به آگاهی دقیق از متون غایب، مهم‌ترین اصل است. در این نوع تناص، مؤلف بخشی از متن غایب را در متن خود می‌آورد، در حالی که معنی متن متحول شده است. در واقع در نفی کلی مقدار زیادی از متن پنهان در متن حاضر به کار رفته و معمولاً این تعامل به شکل آشکار صورت می‌گیرد، چرا که خواننده با خواندن متن حاضر، به خاطر وفور و وضوحش به حضور بارز متن غایب در متن حاضر پی می‌برد و حامل بالاترین شکل تعامل با متن غایب است. در بیشتر مواقع در این شکل، کاربرد معنای متن غایب با معنای متن حاضر متفاوت می‌باشد. (میرزایی، ۱۳۸۸: ۸)

در تبیین روابط بینامتنی قرآن با دعای ماثور از امام زمان علیه السلام با نام علوی مصری، متن غایب: متن قرآنی، متن حاضر: دعای علوی مصری و روابط بینامتنی: تعاملات این دو متن را آشکار می‌سازد. کثرت تعامل کلام امام زمان علیه السلام با قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته این دعاست و این موضوع نشان می‌دهد که حضرت برای بیان بهتر و جذاب‌تر

مقصودشان و تأثیرگذاری بیشتر آن، به صورت آگاهانه از متن قرآن استفاده نموده‌اند.

معرفی اجمالی دعای علوی مصری

یکی از مباحث مهم در دین اسلام که از عالی‌ترین راه‌های ارتباطی انسان با خداوند نیز محسوب می‌شود موضوع «دعا» ست که از جایگاه ویژه‌ای در قرآن و روایات برخوردار است که اگر این نحوه خواندن و دعا کردن از سوی امام معصوم صادر شود، متنی بسیار ارزشمند خواهد بود و تحقیق و بررسی و تبیین محتوایی آن امری بسیار ضروری و مفید و کارآمد برای سعادت همه انسان‌ها در زندگی خواهد بود. نظربه اهمیت این موضوع از بین حدود ۲۶ ادعیه مأثور از آخرین حجت الهی، امام عصر علیه السلام که در بین آن‌ها ادعیه و زیارات مشهوری چون: دعای افتتاح، عصر غیبت، علوی مصری، الهی عظم البلاء، اللهم ارزقنا توفیق الطاعة، صلوات ابوالحسن ضرب اصفهانی، زیارت رجبیه، آل یاسین و زیارت ناحیه مقدسه به ما رسیده است، در این پژوهش تحلیل و بررسی دعای علوی مصری به عنوان نمونه‌ای از این گنجینه برگزیده شده است. دعای علوی مصری یکی از دعا‌های ارزشمندی ست که امام زمان علیه السلام آن را به یکی از سادات علوی حسینی به نام «محمد بن علی» که در زمان غیبت صغری در مصر ساکن بوده و از طرف والی مصر مورد تهدید بسیار سختی قرار گرفته بود، تعلیم فرمودند تا به کمک این دعا گرفتاری‌هایش را رفع کند و بعد از مدت کوتاهی با خواندن دعا، نجات پیدا کرد؛ از این رو به دعای علوی مصری مشهور شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹). این دعا دارای مضامین عالیه و عقاید حقّه شیعه یعنی: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد می‌باشد. متن دعا بیشتر بر حلّ مشکلات فردی و اجتماعی و دفع شرّ دشمنان شیعه، طلب بخشش و استغفار از خداوند تأکید دارد و در فرازهای متعدد دعا، با یادآوری سخت‌ترین لحظات و مواضع زندگی انبیاء الهی که با توسّل به درگاه الهی، نجات یافته‌اند به ما می‌آموزد این تنها خداوند است که قادر به نجات اوست و رفع مشکلات هرچند بزرگ، برای خداوند کاری بسیار سهل و آسان است. این دعا ابتدا در کتاب شریف *مهج الدعوات* تألیف سید بن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۷۹) و سپس در *بحار الأنوار* (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۳۰۷) و بعد از آن در *العقبری الحسان* (نهادی، ۱۳۸۶: ۲۰۵) نقل شده است.

بررسی بینامتنیت قرآن در دعای علوی مصری

امام زمان علیه السلام ابتدا در اولین فراز دعا، با یادآوری این مهم که هرکس خداوند را خوانده قطعاً اجابت شده است، این گونه به خداوند عرضه می‌دارند:

بارخدا یا! چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت نفرمودی؟ چه کسی از بندگانت تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از در خانه‌ات راندی؟ (ابن طاووس،

(۲۸۲:۱۴۱۱)

سپس در فرازهای بعدی دعا، به بیش از بیست شخصیت قرآنی اشاره نموده که هر کدام در سخت‌ترین شرایط خداوند را خوانده و دعایش مستجاب شده است؛ حضرت به همان نام‌ها، خداوند را می‌خواند و عالی‌ترین نعمت‌ها را از درگاه الهی مسئلت می‌نماید و در هر مورد به آیات متعددی از قرآن کریم استشهاد فرموده‌اند که کاربرد انواع رابطه بینامتنیت با آیات قرآن در عالی‌ترین صورت تجلی یافته است. در این جا به اختصار به ذکر چند نمونه از این روابط بینامتنی می‌پردازیم:

۱. بینامتنی ترکیبی

در این نوع از رابطه بینامتنی، مؤلف جزئی از آیه یا کل آن را در متن خود می‌آورد. این نوع بینامتنیت خود به دو گونه تقسیم می‌شود.

الف) نوع اول

در این نوع، عین متن قرآنی بدون هیچ تغییری در متن حاضر آمده و در همان معنای آیه قرآنی استفاده شده است. این نوع بینامتنیت به طور گسترده‌ای در دعای علوی مصری به کار رفته است که در این بخش به عنوان نمونه به ذکر چند فراز اکتفا می‌کنیم.

نمونه اول: متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَ صَرُّ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّهِمٍّ. وَفَجَزْنَا الْأَرْضَ عَيْوناً فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (ابن طاووس، ۲۸۲:۱۴۱۱)

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که نوح علیه السلام در سایه آن به درگاهت بار یافت و عرضه داشت: «خداوند! من مغلوب و مقهور گشته‌ام، پس مرا یاری کن و [در قرآن فرمودی که] درهای آسمان را گشودیم و بارانی کوبنده و ویرانگر فرو فرستادیم و از زمین چشمه‌های پر آب به جوشش درآوردیم! و آب‌ها از زمین و آسمان به هم پیوستند و

آنچه مقدر بود، انجام شد.

متن غایب (قرآن)

﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ* فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ* وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾ (قر: ۱۰-۱۲)؛

پس درهای آسمان را به آبی بسیار فراوان و ریزان گشودیم، و زمین را به [جوشیدن] چشمه‌هایی [پر آب] شکافتیم؛ پس آب آسمان و زمین برای کاری که مقدر شده بود به هم پیوستند.

رابطه بینامتنی

امام زمان علیه السلام در این فراز، خداوند را با نامی می‌خواند که حضرت نوح علیه السلام در میان امواجی سهمگین و دریایی خروشان مغلوب و مقهور، پروردگار را خواند: ﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ* فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ* وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾؛ و از طوفان عظیم نجات پیدا کرد؛ سپس امام از خداوند درخواست می‌کند که ستم هر ظالم و شرّ هر زمامدار جفا کار و دشمن توانا و انسان بد رفتاری را دور فرماید. (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۲) بنابراین حضرت، دقیقاً از همان الفاظ و عبارات آیات قرآنی با همان معنا در دعا استفاده کردند که از نوع نفی جزئی یا اجترار است.

نمونه دوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيَّكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَحْيَا؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵).
خداوند! تورا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت موسی بن عمران ذات پاک تورا بدان خواند، چه آن‌که در قرآنت فرموده ای: «موسی را از وادی مقدس طور ایمن خواندیم و برای مناجات با خود او را به خود نزدیک کردیم.»

متن غایب (قرآن)

وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَحْيَا؛ (مریم: ۵۲)
و او را از جانب راست طور ندا کردیم و او را در حالی که با وی راز گفتیم، مقرب خود قرار دادیم.

رابطه بینامتنی

امام زمان علیه السلام در این فراز از دعا با یادآوری داستان حضرت موسی علیه السلام، اشاره به آغاز

رسالت ایشان کرده می‌گوید: «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ؛ ما اورا از طرف راست کوه طور فرا خواندیم» در آن شب تاریک و پیروحشتی که با همسرش از بیابان‌های (مدین) گذشته و به سوی مصر در حرکت بود به همسرش درد وضع حمل دست داد، و گرفتار سرمای شدیدی شد و به دنبال شعله آتشی در حرکت بود، ناگهان برقی از دور درخشید و ندایی برخاست و به موسی علیه السلام فرمان رسالت داده شد و این بزرگ‌ترین افتخار و شیرین‌ترین لحظه در عمر او بود. علاوه بر این «وَقَرَّبْنَاهُ نَحِيًّا؛ ما اورا نزدیک ساختیم و با او سخن گفتیم.» ندای الهی موهبتی بود و تکلم با او موهبت دیگر. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱۳، ۹۱) حضرت با ذکر داستان حضرت موسی علیه السلام، می‌فرماید:

خدایا من تورا با همان نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت حضرت موسی بن عمران تورا خواند و از تومی خواهم از بخشندگی خود مرا بهره‌مند سازی و فضل و لطف خود را به من ارزانی داری. (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵)

بنابراین از عین آیه قرآنی با همان معنا در تایید کلام خویش برای درخواست از خدا، استفاده کرده‌اند که نفی جزئی یا اجترار است.

نمونه سوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ زَكَرِيَّا عليه السلام حِينَ سَأَلَكَ دَاعِيَا لَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِفَضْلِكَ فَقَامَ فِي الْمَحْرَابِ يَتَدَايى نِدَاءً خَفِيًّا فَقَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا. يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵)

پروردگارا! تورا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت زکریا علیه السلام ذات پاک تورا به آن خواند و دست نیاز به سویت بلند نمود و در محراب عبادت با ندایی آرام تورا خواند و عرضه داشت: «خداوند! به من فرزندی عطا فرما که وارث من و وارث آل یعقوب باشد و او را راضی قرار بده.»

متن غایب (قرآن)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدُهُ زَكَرِيَّا * إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا * فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا؛ (مریم: ۳-۶)

این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا. هنگامی که پروردگارش را با دعایی پنهان خواند. پس مرا فرزندی ده که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد و او را پروردگارا! [از هر جهت] مورد رضایت [خود] قرار ده.

رابطه بین نامتنی

در این فراز از دعا با یادآوری داستان حضرت زکریا علیه السلام، آن هنگام که کرامت ویژه الهی را نسبت به مریم - عبودیت و خلوص او - مشاهده کرد، دوست داشت که بعد از او هم فرزندی دارای قرب و کرامتی این چنین می داشت، لیکن از سویی متوجه سالخوردگی و ناتوانی خود و پیری و نازایی همسرش شد و به یاد وارثانش که هیچ یک حال و وضعی چون مریم ندارند افتاده و دچار وجد و شعفی سوزان گردید، و ناگهان جرقه ای در دلش شعله زد و به یاد این معنا افتاد که خدای تعالی تا این روز از زندگیش، وی را به استجابت دعا و کفایت همه مهمات عادت داده بود، لذا دست به دعا بلند کرده با دلی سرشار از امید از خداوند ذریه ای طیب درخواست نمود: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ۱۲) امام زمان علیه السلام خداوند را با همان نام می خواند و از خداوند درخواست می نماید:

فرزندانم را برای من نگاه داری و مرا از آنان بهره مند سازی و من و فرزندانم را به زیور بندگی مزین فرمایی و خلاصه این که بنده تو باشم. [خدایا!] ما را به نعمت های اخروی علاقه مند فرما و از عذاب های آن در هراس دار؛ امید ما به تو باشد و از غیر تو منقطع باشیم تا این که به زندگی واقعی برسیم. (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵)

امام دقیقاً عین آیه قرآنی را با همان الفاظ و معنا، در دعا به کار برده است. بنابراین ارتباط دو متن از نوع نفی جزئی یا اجترار است. نمونه چهارم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ خَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ خَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵)
خداوندا! به نامی می خوانمت که همسر فرعون تو را به آن خواند، هنگامی که عرض کرد: «خداوندا! برای من در بهشت کاخی بنا کن و مرا از چنگال فرعون نجات ده و مرا از شر این قوم جفاکار رهایی بخش».

متن غایب (قرآن)

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ خَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ خَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛ (تحریم: ۱۱)
و خدا برای مؤمنان را مثل زده است هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خودت خانه ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش و مرا از مردم ستمکار نجات ده.

رابطه بینامتنی

در این فراز از دعا امام خداوند را به نامی می خواند که همسر فرعون او را خواند؛ آن هنگام که معجزه موسی علیه السلام را در مقابل ساحران مشاهده کرد و اعماق قلبش به نور ایمان روشن شد، آسیه از همان لحظه به موسی علیه السلام ایمان آورد ولی پیوسته ایمان خود را مکتوم می داشت، هنگامی که فرعون از ایمان او با خبر شد اصرار داشت که دست از آئین موسی علیه السلام بردارد ولی این زن با استقامت، هرگز تسلیم خواسته فرعون نشد. سرانجام فرعون دستور داد دست و پاهایش را با میخ ها بسته، در زیر آفتاب سوزان قرار دهند، و سنگ عظیمی بر سینه او بیفکنند، هنگامی که آخرین لحظه های عمر خود را می گذارند این گونه درخواست نمود: «پروردگارا! برای من خانه ای در بهشت در جوار خودت بنا کن و مرا از فرعون و اعمالش رهایی بخش و مرا از این قوم ظالم نجات ده» (تحریم: ۱۱). خداوند نیز دعای این زن مؤمن پاکباز فداکار را اجابت فرمود و او را در کنار بهترین زنان جهان مانند مریم قرار داد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۴۷۹). سپس به خداوند عرضه می دارد: «تو خواسته اش را بر آوردی و او را به خویش نزدیک ساختی؛ اینک ای خدای نزدیک به من! از تو می خواهم که دیدگان مرا به دیدن بهشت روشنی بخشی؛ زیارت چهره کریمانه اولیای خود را نصیبم فرمایی؛ مرا همدم و همنشین محمد و آل محمد قرار دهی؛ در پناه این خاندان مسروم نمایی؛ مرا در بهشت منزل دهی و از آنچه برای دوزخیان چون زنجیرهای گران، آهن های گداخته، سختی های فراوان و خواری ابدی و دیگر عذاب ها آماده فرموده ای مرا دور قرار دهی» (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵). لذا حضرت، عین آیه قرآن را با همان معنا در این فراز از دعا به کار برده است؛ که این ارتباط، از نوع نفی جزئی یا اجترار است.

ب) نوع دوم

در نوع دوم بینامتنیت ترکیبی، مؤلف بخشی از آیه قرآنی را با ساختاری تغییر یافته در لایه صرفی یا نحوی، در سخن خود به کار می گیرد و به این وسیله به شکل های مختلف در ساختار دخل و تصرف می کند، گاهی با افزودن و گاه با کاستن، زمانی با تغییر و زمانی با تأخیر. بخشی از بینامتنیت دعای علوی مصری با قرآن از این نوع است که حضرت مهدی علیه السلام با ایجاد تغییراتی در ساختارهای قرآنی آن ها را به سبک خود در این دعا به کار گرفته اند. در این جا نمونه هایی از این نوع را بیان می کنیم.

نمونه اول: متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقاً نَبِيّاً وَ رَفَعْتَهُ مَكَاناً عَلِيّاً؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۲)

بارالها! من تو را به نامی می خوانم که ادریس علیه السلام تو را بدان خواند و تو او را به مقام راستگویان و درست کرداران و به پیامبری رساندی و مقامی بس بلند به او ارزانی فرمودی.

متن غایب (قرآن)

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقاً نَبِيّاً * وَ رَفَعْنَاهُ مَكَاناً عَلِيّاً؛ (مریم: ۵۶-۵۷)
و در این کتاب، [سرگذشت] ادریس را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود و او را به جایگاه و مقام بلندی ارتقا دادیم.

رابطه بینامتنی

حضرت در این فراز، ضمن اشاره به داستان حضرت ادریس علیه السلام که خداوند را خواند و پروردگار دعایش را مستجاب نمود، این گونه می فرماید: بارالها! من تو را به نامی می خوانم که ادریس علیه السلام تو را بدان خواند و تو او را به مقام راستگویان و درست کرداران و به پیامبری رساندی و مقامی بس بلند به او ارزانی فرمودی؛ دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون ای نزدیک تراز من به خودم! از درگاه با عظمت تو استدعا می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و پایان کار مرا بهشت برین قرار دهی و مرا در دریای رحمت خود غوطه ور سازی و با آموزش گناهان، مرا در بهشت جای دهی» (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۲). در حقیقت امام با تغییر ساختار «إِنَّهُ كَانَ» به «جَعَلْتَهُ» و تغییر «رَفَعْنَاهُ» به «رَفَعْتَهُ» آیه ۵۷ مریم را در کلام خود ذکر می کند، لذا ارتباط دو متن از نوع نفی متوازی خواهد بود.

نمونه دوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

نَحْيَتُهُ مِنَ الذَّبْحِ وَ فَدَيْتُهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۳)
تو او را از کشته شدن نجات دادی و قربانی بزرگ برایش فرستادی.

متن غایب (قرآن)

«وَ فَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»؛ (صافات: ۱۰۷)
و ما او را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رهانیدیم.

رابطه بینامتنی

امام زمان علیه السلام در این فراز از دعا با خواندن خداوند به نام حضرت اسماعیل علیه السلام و اشاره به داستان ذبح و قربانی بزرگی که به اذن الاهی از آن امتحان سخت رهاشده شد، آیه ۱۰۷ صافات را در کلام خود به کار می‌برند با این تفاوت که به جای کلمه «فَدَیْنَاهُ» از کلمه «فَدَیْتَهُ» استفاده نمودند، چرا که آن حضرت خداوند را مورد خطاب قرار داده و ضمیر متکلم را به ضمیر مخاطب تبدیل کردند؛ بنابراین در این عبارت نیز از نفی متوازی یا امتصاص استفاده شده است.

نمونه سوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

وَشَدَدَتْ مُلْكُهُ وَآتَيْنَهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابِ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵)
و حکومتش را محکم و استوار ساختی و به او حکمت و منصب داوری عطا کردی.

متن غایب (قرآن)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلَ الْخِطَابِ؛ (ص: ۲۰)
حکومتش را محکم و استوار گردانیدیم و به او حکمت و منصب داوری عطا کردیم.

رابطه بینامتنی

امام زمان علیه السلام در این فراز از دعا با بهره‌گیری از آیه ۲۰ سوره ص عرضه می‌دارد: ای خدایی که سلطنت داوود را قوی و پهلوار ساختی و او را به زیور حکمت و شناخت حق از باطل، مفتخر گرداندی؛ همه کارها و مشکلاتم را مستخر من قرار ده؛ مقدرات مرا آسان ساز؛ گناهانم را بیامرز و مرا به عبادت خود موفق گردان و ظلم ظالمان، نیرنگ نیرنگبازان، قدرت فرعونیان و حسد حسودان را از من دور فرما، ای امان‌دهنده ترسیدگان و پناه‌دهنده پناه‌خواهان (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۵). ایشان در این فراز برای مخاطب قرار دادن خداوند، به جای فعل «شَدَدْنَا» از «شَدَدَتْ» و به جای «آتیناه»، «آتیتَهُ» استفاده کردند. بنابراین متن غایب یعنی قرآن کریم با اندکی تغییر در متن حاضر به صورت آگاهانه به کار رفته که رابطه بینامتنی از نوع نفی متوازی است.

۲. بینامتنی واژگانی یا لفظی

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های بینامتنی با قرآن کریم، بینامتنی واژگانی است و منظور، اقتباس واژگانی است که از طریق لفظ و ظاهریا معنا، در متن آشکار می‌شود. قرآن،

سرچشمه و منبعی است غنی که امام زمان علیه السلام به عنوان حجت الهی و عالم به علوم غیب، واژگان و معانی و مضامین عالی ادعیه خویش را از آن الهام گرفته است. در این بخش به طور اختصار به نمونه‌هایی از حضور واژگان در دعای علوی مصری اشاره می‌شود.

نمونه اول: متن حاضر (دعای علوی مصری)

رَبِّ هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَ كُفْرِهِ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۱)
خداوند! آن فرعونی که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخها برافراشت و سرکشی‌ها نمود.

متن غایب (قرآن)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ؛ (ص: ۱۲)
پیش از آن‌ها نیز قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند.

رابطه بینامتنی

در این فراز از دعا امام زمان علیه السلام برای اشاره به ارحم الراحمین بودن و توبه‌پذیر بودن خداوند، حتی نسبت به کافرترین و بدترین بندگان چون فرعون، از خداوند درخواست می‌کند و می‌فرماید: «ای خدایی که دعای فرعون صاحب قدرت را با وجود کفرش مستجاب کردی، از خطاهای ما بگذر و دعای ما را مستجاب کن» (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۱). واژگان «فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ» در متن حاضر با الهام‌گیری از متن غایب، در هر دو متن به کار رفته است که این نوع بینامتنیت، از نوع جزئی است؛ زیرا دقیقاً با همان لفظ و معنا به کار رفته است.

نمونه دوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

فَلَّكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۲)
اینک تو را حمد می‌کنم که مرا انسانی کامل [از نظراعضاء و جوارح] خلق فرمودی.

متن غایب (قرآن)

﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾؛ (مریم: ۱۷)
و جدا از آنان پوشش و پرده‌ای برای خود قرار داد و ما روح خود را به سوی او

فرستادیم، پس برای او [به صورت] بشری خوش اندام و معتدل نمودار شد.

رابطه بینامتنی

امام زمان علیه السلام در این فراز از دعا می فرماید: خدایا تورا حمد می کنم که مرا انسانی کامل [از نظراعضاء و جوارح] خلق فرمودی. حضرت از واژه قرآنی بَشَرًا سَوِيًّا بهره برده اند. آن جا که خداوند در سوره مریم آیه ۱۷ در توصیف احوال حضرت مریم علیها السلام قبل از تولد حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «ما روح خود (روح القدس) را به صورت بشری کامل و خوش قد و قامت به سوی مریم فرستادیم.» چنان چه مشاهده می شود کاربرد قرآنی واژه بَشَرًا سَوِيًّا برای توصیف فرشته الهی به کار رفته است، اما امام، واژه وام گرفته از متن پنهان را در متن حاضر برای توصیف خلقت انسان کامل توسط خداوند به کار می برد. بدین ترتیب رابطه متن حاضر با متن پنهان از نوع نفی کلی یا حواری است که بالاترین درجه بینامتنیت محسوب می شود؛ زیرا کلام امام، در معنایی دیگر (نه لزوماً متضاد با معنای قرآن) به کار رفته و حضرت آن را در معنای مدنظر خود بازآفرینی کرده است.

نمونه سوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

لَا تَزِدْنِي إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعَى مُشْكُورٍ وَتِجَارَةٌ لَنْ تَبُورَ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۹۲)
مرا از درگاه باشکوه خود، جز با گناهان آمرزیده شده و کوشش به ثمر رسیده و تجارتی سودبخش و بدون زیان که هرگز کساد و زیان ندارد، باز نگردانی.

متن غایب (قرآن)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾ (فاطر: ۲۹)
به یقین کسانی که کتاب خدا را همواره تلاوت می کنند و نماز را به پا داشته و از آنچه به آنها روزی کرده ایم پنهان و آشکار انفاق نمودند، تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و زیان ندارد.

رابطه بینامتنی

در این فراز از دعا امام زمان علیه السلام با استفاده از ترکیب واژگانی «تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» از خداوند می خواهند زندگی دنیایی ما تجارتی سودبخش و بدون زیان باشد، همان گونه که در قرآن کریم خداوند، کسانی که تلاوت کننده قرآن هستند و نماز به پا می دارند و انفاق می کنند را امیدوار به تجارتی پرسود که هرگز کساد و زیان ندارد، توصیف می کند. بنابراین حضرت از

این رهگذر، بینامتنیتی از نوع نفی جزئی خلق نموده‌اند.

۳. بینامتنی مضمونی

در انواع بینامتنی پیشین، حضور متن غایب در متن حاضر غالباً با محوریت لفظ صورت می‌گرفت؛ اما در این‌گونه از روابط بینامتنی، مؤلف با الهام گرفتن از آیه قرآنی و پس از دریافت مضمون آیه، مفهوم آن را با الفاظ و تعابیر خود بیان می‌کند به گونه‌ای که خواننده حضور لفظی محسوس یا ذکر صریح را از قرآن نمی‌بیند. در این قسمت به طور اجمال به نمونه‌هایی از این نوع بینامتنیت در دعای علوی مصری اشاره می‌شود.

نمونه اول: متن حاضر (دعای علوی مصری)

اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ لَمَّا حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ مَنَزَلُ
الْعَافِيَةِ وَالصِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةُ فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ وَرَدَّتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ؛
(ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۶)

بارخدا یا! تو را به نامی می‌خوانم که ایوب علیه السلام تو را بدان خواند، آن‌گاه که بلا بر او نازل شد و بیماری جای سلامتی را گرفت و تنگی معیشت جای نعمت‌های فراوان را پر کرد. او تو را خواند و تو مشکلاتش را حل نمودی و خاندانش و مانند‌شان را همراه با آنان به او عطا کردی.

متن غایب (قرآن)

﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ * فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ﴾؛ (انبیاء: ۸۳-۸۴)

و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: مرا آسیب و سختی رسیده و تو مهربان‌ترین مهربانانی * پس ندایش را اجابت کردیم و آنچه از آسیب و سختی به او بود برطرف نمودیم، و خانواده‌اش را [که در حادثه‌ها از دستش رفته بودند] و مانند‌شان را همراه با آنان به او عطا کردیم که رحمتی از سوی ما و مایه پند و تذکری برای عبادت‌کنندگان بود.

رابطه بینامتنی

در قرآن کریم خداوند ابتدا به سختی‌ها و مصائب وارده بر حضرت ایوب علیه السلام و سپس به استجاب دعا و برطرف شدن سختی‌ها از ایشان اشاره می‌نماید. امام در این فراز از دعا خداوند را به نامی می‌خواند که ایوب علیه السلام خدا را خواند و بلا و بیماری و تنگی معیشت

جای نعمت‌های فراوان او را پر کرد و می‌فرماید: «ایوب تورا خواند و تو مشکلاتش را حل نمودی و خاندانش و مانندشان را همراه با آنان به او عطا کردی» (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۶). در واقع امام با تغییر الفاظ آیه و بهره‌مندی از مفهوم و مضمون اصلی آن، بینامتنیتی از نوع نفی متوازی را رقم زده‌اند.

نمونه دوم: متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيَّكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ أَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ فَأَحْيَا بِهِ الْمَوْتَى وَ أَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَ خَلَقَ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۸)

بارخدا یا! تورا به نامی می‌خوانم که پیامبرت عیسی بن مریم علیه السلام تورا به آن خواند، هنگامی که او را به وسیله روح القدس تأیید فرمودی و قدرت سخن گفتن در گهواره به او لطف کردی و مردگان را به وسیله او زنده ساختی و بیماری‌های سخت و لاعلاج مانند پیسی و خوره را به دست او شفا مرحمت نمودی. او مجسمه پرنده‌گان را از خاک می‌ساخت بر آن می‌دمید و به فرمان توروح در آن کالبد پیدا می‌شد. توارو را به خود نزدیک ساختی.

متن غایب (قرآن)

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا... وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي﴾؛ (مائده: ۱۱۰)

[به یاد آر] هنگامی که خدا گفت: ای عیسی بن مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت متذکر باش، آن‌گاه که تورا به وسیله روح القدس تأیید کردم که با مردم در گهواره (به اعجاز) و در سن میان‌سالی (به وحی) سخن می‌گفتی، ... و هنگامی که از گل مانند شکل پرنده به اذن (تکوینی) من درست می‌کردی پس در آن می‌دمیدی و به اذن و اراده من پرنده می‌شد، و به اذن من کور مادرزاد و مریض پیس را شفا می‌بخشیدی و آن‌گاه که مردگان را به اذن من (از قبر، زنده) بیرون می‌آوردی.

رابطه بینامتنی

خداوند در چندین آیه از آیات قرآن کریم به بیان داستان حضرت عیسی مریم علیها السلام و تأیید ایشان به وسیله روح القدس و سخن گفتن در گهواره و تبدیل خاک به پرنده و شفا کور مادرزاد و مریض پیسی و زنده کردن مردگان به اذن الهی اشاره می‌نماید. امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَام در این فراز از دعا، این مضمون را به زیبایی در کلام خود به کار گرفته و از آن در راستای یادآوری الطاف الاهی به حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، بدون تغییر در جوهره آن، بهره برده است. بنابراین، رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، از نوع نفی متوازی است.

۴. بینامتنی شخصیت‌های قرآنی

در این نوع از بینامتنیت، گوینده یا نویسنده با اشاره کوتاه به برخی اشخاص یا حوادث و داستان‌های قرآنی و با استفاده از محدود واژگانی از متن غایب، مخاطب را به فضای داستان می‌برد. بینامتنیت شخصیت‌های قرآنی در دعای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام جایگاهی ویژه و برجسته دارد و تقریباً در تمامی فرازهای دعای علوی مصری جلوه می‌کند. در هر فراز از دعا با نامی که با آن نام شخصیت قرآنی، خدا را می‌خواند و دعایش مستجاب می‌شود، امام نیز خدا را می‌خواند. در این بخش جهت اختصار به ذکر سه مورد بسنده می‌کنیم.

نمونه اول: حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در این دعا نام مبارک پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در دو حالت ذکر فرموده‌اند. حالت اول: ذکر نام حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان ایشان در هر فراز دعا قبل از بیان حاجت متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُونَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَام وَ هُوَ مُسِيءٌ ظَلَمَ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيئَةَ فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ وَ ثُبَّتْ عَلَيْهِ وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَ كُنْتُ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَ تَرْضَى عَنِّي؛
(ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۲)

خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم و به اسمی قسم می‌دهم که برگزیده‌ات، پدر ما آدم عَلَيْهِ السَّلَام، تو را به آن خواند و تو او را اجابت کرده و توبه‌اش را پذیرفتی و در حالی که او گناه کرده و بر خودش ستم روا داشته بود، تو او را بخشیدی و دعایش را مستجاب فرمودی و او را به خود نزدیک ساختی. ای کسی که از من به من نزدیک‌تری! از پیشگاه مقدست استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از گناهان من بگذری و از من بخشنود گردی.

متن غایب (قرآن)

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛

(احزاب: ۵۶)

همانا خدا و فرشتگانش همواره بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گوید، و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

رابطه بینامتنی

در تمامی فرازهای دعا، امام زمان علیه السلام بعد از ذکر نام پیامبران الهی و شرح چگونگی استعجاب دعا‌ی شان، ابتدا صلوات بر پیامبر و آلش را این‌گونه می‌فرماید: «أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و سپس خواسته خود را بیان می‌کند. در واقع حضرت با صلوات بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶)، در تمامی فرازهای دعا، به طور ضمنی استفاده نموده‌اند؛ بدین ترتیب بینامتنیتی از نوع نفی متوازی خلق کرده است.

حالت دوم: ذکر نام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و بیان توصیفات ویژه حضرت در فرازی خاص متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ نَبِيُّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ خَيْرُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَمِيْنُكَ عَلَى وَحْيِكَ وَ بَعِيْثُكَ إِلَى بَرِيَّتِكَ وَ رَسُوْلِكَ إِلَى خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتْكَ وَ خَالِصَّتْكَ ﷺ فَاسْتَجِبْ دُعَاءَهُ وَ أَيْدِيَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا وَ جَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۹)

خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم که بنده پاکیزه و برگزیده‌ات و بهترین شخصیت میان بندگان و مخلوقات و آن‌که او را امین وحی خود قرار دادی و بر عموم مردم به رسالت مبعوث فرمودی، آن محمدی که او را خالص و برگزیده برای خویش قرار دادی، پس دعای او را مستجاب فرمودی و به وسیله نیروهای نامرئی، وی را مدد رساندی.

متن غایب (قرآن)

«أَيْدُهُمْ يُجْنُودٌ لَمْ تَرَوْهَا وَ جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (توبه: ۴۰)

او را با لشکریانی که شما ندیدید، نیرومند ساخت و شعار کافران را پست تر قرار داد و شعار خداست که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است.

رابطه بینامتنی

در این فراز امام زمان عجل الله تعالی فرجه، با ذکر نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان بنده برگزیده خداوند که او را خالص و برگزیده خویش قرار داد و دعای او را مستجاب فرمود و به وسیله نیروهای نامرئی، وی را مدد رساند، خدا را می خواند و عرضه می دارد: «خداوند، مرا نیز از این الطاف بهره مند ساز و از جمله آنان محسوب فرما و در زمره آنان محشورم کن تا این که از حوض کوثر سیراب شوم» (ابن طاووس، ۱۴۱: ۲۸۹). در حقیقت حضرت، اوضاع و موقعیت غار ثور و امدادهای الهی برای پیامبر خدا را که در آیات قرآن بیان شده است، در این فراز از دعای خود، ذکر فرموده و بینامتنی متوازی را رقم زده اند.

نمونه دوم: حضرت لوط علیه السلام

متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ عليه السلام فَتَجَبَّيْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْخُسْفِ وَ اهْتَدَمَ وَ الْمُثَلَّاتِ وَ الشِّدَّةِ وَ الْجُهْدِ وَ أَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَ اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱: ۲۸۴)

خداوند! به نامی که لوط علیه السلام تو را بدان خواند و تو او و فرزندان او را از فرورفتن در زمین و نابود شدن و شکنجه دیدن، نجات دادی و آنان را از گرداب نیستی، به سلامت بیرون بردی، تو را به همان نام می خوانم و از تو که از من به من نزدیک تری تقاضا می کنم.

متن غایب (قرآن)

﴿قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ﴾ * رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ * فَتَجَبَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ؛ (شعراء: ۱۶۷-۱۷۰)

گفتند: ای لوط! اگر [از تبلیغ دین] باز نایستی، حتماً تبعید خواهی شد * [لوط] گفت: بی تردید من از کار زشت شما به شدت متنفرم * پروردگارا! مرا و خانواده ام را آنچه انجام می دهند، نجات بده. پس ما او و خانواده اش همگی را نجات دادیم.

رابطه بینامتنی

چنان چه پیداست امام در متن حاضر به شرح مشکلات پیش روی حضرت لوط علیه السلام و نجاتش توسط خداوند می پردازد و از خداوند با همان نامی که حضرت لوط علیه السلام او را خواند درخواست می نماید: از آتش سوزان جهنم مرا در پناه لطف خود نگاه داشته، اجازه فرمایی که نابه سامانی هایم سامان گیرد و چشمم به خاندان و فرزندانم روشن گردد و تمام

کارهای مرا بر من مبارک فرمایی و مرا به آرزوهایم برسانی (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۴). لذا این بخش از دعا، تداعی گرایات قرآن کریم در شرح زندگی حضرت لوط علیه السلام و بازآفرینی آن‌ها توسط امام زمان علیه السلام است و رابطه بین دو متن، از نوع نفی متوازی می‌باشد.

نمونه سوم: حضرت مریم علیها السلام

متن حاضر (دعای علوی مصری)

إِلَهِي وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَيْتُكَ بِهِ عَبْدُكَ وَ صِدِّيقُكَ مَرْيَمُ الْبُتُولُ وَ أُمُّ الْمَسِيحِ
الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ قُلْتُ وَ مَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا فَتَفَخَّنَا فِيهِ مِنْ
رُوحِنَا - وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَاءَهَا؛
(ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۷)

خداوندا! به نامی که مریم بتول، بنده راستگودرست کردارت، تو را بدان خواند که در قرآن فرموده‌ای: «مریم دختر عمران بانویی که خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم. او کلمات و کتب پروردگارش را باور داشت و از فرمانبرداران بود». پس دعایش را مستجاب نمودی.

متن غایب (قرآن)

﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا فَتَفَخَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
وَ كُتِبَ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ﴾؛ (تحریم: ۱۲)
و مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامن خود را پاک نگاه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان [فرمان‌های خدا] بود.

رابطه بینامتنی

در این فراز از دعا امام خدا را به نام حضرت مریم خوانده و به توصیف ویژگی‌های او و یاری الهی در مورد ایشان پرداخته و آیات مربوط به داستان زندگی حضرت مریم علیها السلام را در دعای خود ذکر نموده و از خداوند درخواست می‌نماید: «ای خداوندا، از تومی خواهم به من آرامش فکرو خیال عنایت فرمایی، تا آنچه را که به خاطرش آفریده شده‌ام خوب انجام دهم و مرا بدان چه خود عهده‌دار آن شده‌ای، تکلیف مفرما. مرا بنده خویش و به دنیا بی‌علاقه قرار ده تا از کسانی باشم که به عافیت کامل دست پیدا کرده‌اند و مرا مورد الطاف خودت قرار داده باشی، ای خدای کریم و ای بلند مقام و ای آفریدگار بزرگ» (ابن

طاووس، ۱۴۱۱: ۲۸۷). بنابراین، امام با اشاره به امدادهای غیبی الهی نسبت به حضرت مریم علیها السلام، آیات قرآنی را به زیبایی در کلام خود، به کار گرفته است؛ لذا رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، از نوع نفی جزئی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از بررسی روابط بینامتنی دعای علوی مصری - دعای مأثور از امام زمان علیه السلام - با آیات قرآن کریم نتایج زیر به دست آمد:

۱. نظریه بینامتنیت: هرمتنی ناگزیر با متن‌های دیگرکنش‌های دو سویه دارد و به کمک آن می‌توان، روابط موجود میان متون مختلف را آشکار نمود. در این پژوهش نیز، با بررسی محتوایی یکی از ادعیه مأثور از امام زمان علیه السلام با نام علوی مصری براساس نظریه بینامتنی، فرازهای مختلف آن واکاوی شده و به تجلی آیات قرآن کریم در جای جای این دعا و کاربرد انواع گوناگون بینامتنیت پرداخته شده است؛

۲. در تبیین روابط بینامتنی قرآن کریم با دعای علوی مصری، متن غایب یا پنهان: متن قرآنی، متن حاضر: دعای علوی مصری و روابط بینامتنی: تعاملات این دو متن را مشخص می‌کند. امام زمان علیه السلام در این دعا با اشاره به بیش از بیست شخصیت قرآنی، که در سخت‌ترین شرایط خداوند را خوانده و دعای شان مستجاب شده است؛ به همان نام‌ها، خداوند را می‌خواند و بهترین نعمت‌ها را از درگاه الهی مسئلت می‌نماید. حضرت در هر فراز به آیات متعددی از قرآن کریم استشهاد فرموده‌اند که کاربرد انواع رابطه بینامتنیت در این دعا با آیات، در عالی‌ترین صورت تجلی یافته است؛

۳. روابط بینامتنی دعای علوی مصری با قرآن کریم با سه شیوه اصلی: نفی جزئی (اجترار)، نفی متوازی (امتصاص) و نفی کلی (قانون حوار) به صورت کامل بررسی و به طور همزمان به تحلیل تناسبات ترکیبی، مضمونی، واژگانی یا لفظی و شخصیت‌های قرآنی در لایه‌های زیرین فرازهای گوناگون آن پرداخته و مشخص شد: بیشترین نوع کاربرد بینامتنیت در این دعا از میان قواعد سه‌گانه بینامتنی، «نفی متوازی» و پرکاربردترین نوع بینامتنیت «بینامتنیت ترکیبی» است. اما کم‌کاربردترین نوع آن «نفی کلی» یا «قانون حوار» است که تنها در یک مورد به کار رفته است؛

۴. بهره‌گیری امام از آیات و مفاهیم قرآنی، به طور مستقیم و آگاهانه بوده و دعای ایشان

حول محور آیات قرآن کریم می چرخد، به طوری که آیات وحی و مفاهیم آن در تمامی فرازهای این دعا تجلی نموده و پیوند ناگسستنی میان «قرآن صامت و ناطق» را روشن و نورانیت کلام وحی را، در دعای حضرت آشکار می سازد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، محقق و مصحح: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم: دارالذخائر.
۲. احمدی، بابک (۱۳۷۰ش)، *ساختار و تأویل متنی*، تهران: نشر مرکز.
۳. آلن، گراهام (۱۳۸۰ش)، *بینامتنیت*، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: مرکز نشر.
۴. پاکتچی، احمد (۱۳۹۷ش)، *نقد متن*، بی جا: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵. جیگاره، مینا؛ صادقی، زهرا (۱۳۹۶ش)، «روابط بینامتنیت حکمت های نهج-البلاغه با آیات قرآن»، *فصل نامه سفینه*، شماره ۵۶.
۶. چندلر، دانیل (۱۳۹۴ش)، *مبانی نشانه شناسی*، ترجمه: مهدی پارسا، تهران: سوره مهر.
۷. زکی زاده رنانی، علیرضا؛ قربانی، سمیه (۱۳۹۸ش)، «بینامتنیت دعای چهارم صحیفه سجاده و قرآن»، *فصل نامه علمی- پژوهشی مطالعات قرآنی*، شماره ۳۸.
۸. ستوده نیا، محمدرضا؛ محققیان، زهرا (۱۳۹۵ش)، «بینامتنی قرآن کریم با صحیفه سجاده»، *دو فصل نامه علمی- پژوهشی پژوهش های زبان شناختی قرآن*، شماره ۹.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم.
۱۱. عزام، محمد (۲۰۰۱م)، *تجلیات التناص فی الشعر العربی*، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
۱۲. فتاحی زاده، فتحیه؛ محصص، مرضیه؛ ادایی خضری، فاطمه (۱۳۹۷ش)، «بازتاب قرآنی اندیشه مهدویت در صحیفه سجاده با رویکرد بینامتنی»، *فصل نامه علمی- ترویجی پژوهش های مهدوی*، شماره ۲۷.

۱۳. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۹ش)، *بیولوژی نص*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۸۷ش)، *صحیفه المهدی علیّه*، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم / مؤسسة النشر الإسلامی، پنجم.
۱۵. کرسنوا، ژولیا (۱۳۹۸ش)، *فردیت اشتراکی*، ترجمه: مهرداد پارسا، تهران: نشر روزبهان، سوم.
۱۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم.
۱۷. مسبوق، سید مهدی (۱۳۹۲ش)، «روابط بینامتنی قرآن با نهج البلاغه»، *دوفصل نامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء*، شماره ۲۰.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، اول.
۱۹. الموسی، خلیل (۲۰۰۰م)، *قراءات فی الشعر العربی الحدیث والمعاصر*، بیروت: اتحاد الكتاب العربی.
۲۰. میرزایی، فرامرز؛ واحدی، ماشاءالله (۱۳۸۸ش)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۲۵.
۲۱. نهاوندی، علی اکبر (۱۳۸۶ش)، *العبری الحسان*، محقق و مصحح: حسین احمدی قمی؛ صادق برزگر، قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۲. وعدالله، لیدیا (۲۰۰۵م)، *التناس المعرفی فی شعر عزالدین المناصرة*، بیروت: دارالمندلاوی.

